



جستاری در اعتبارسنجی زیارت امین الله

محسن کبیری راد^۱، سید محسن موسوی^۲، حبیب اله جلودار^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22084/DUA.2025.30557.1140](https://doi.org/10.22084/DUA.2025.30557.1140)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۷



چکیده

زیارت امین الله، منسوب به امام سجاد(ع)، از متون دعایی مشهور شیعه است که در آن به مقام و منزلت امیرالمؤمنین علی(ع) و نیز مضامین بلند عرفانی و اخلاقی پرداخته شده است. این پژوهش با هدف ارزیابی علمی اعتبار این زیارت به بررسی مصدر، سند و محتوا پرداخته است و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که زیارت امین الله تا چه میزان از اعتبار سندی و محتوایی برخوردار است؟ در این پژوهش، پس از بررسی مصدر زیارت و سند آن، ارتباط میان عبارات زیارت با آموزه‌های وحیانی و اصول کلی دین اسلام، از جمله توحید، ولایت، جهاد، صبر، شکر، رضا و خوف از خدا، مورد تحلیل قرار گرفت. این تطبیق نشان داد که چگونه مضامین زیارت امین الله، نه تنها با قرآن منافاتی ندارد، بلکه شرحی بر مفاهیم عالی آن است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که این زیارت با آن که از نظر سند و مصدر دچار مشکلاتی بوده، اما از لحاظ صدور و محتوا معتبر است.

کلیدواژه‌ها: زیارت امین الله، اعتبار سنجی سندی، اعتبار سنجی محتوایی، دعاپژوهی، موافقت با قرآن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول) *mohsenkabirirad@gmail.com

۲- دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. m.mousavi@muz.ac.ir

۳- دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. jlouidar@umz.ac.ir

۱. مقدمه

زیارت امین‌الله، از متون دعایی برجسته در فرهنگ شیعی، منسوب به امام سجاد (ع) است که به بیان فضائل امیرالمؤمنین علی (ع) و مضامین عمیق عرفانی، اخلاقی و اعتقادی می‌پردازد. این زیارت، به دلیل جایگاه ویژه‌اش در منابع روایی معتبر و تأکید علمای بزرگ بر اهمیت آن، موضوعی شایسته بررسی علمی است.

این پژوهش در پی، ارزیابی اعتبار زیارت امین‌الله از دو منظر سندی و محتوایی است؛ به این معنا که آیا این متن از نظر صدور و مضمون، قابل اعتماد و هم‌راستا با اصول دینی است یا خیر. این پژوهش، از یک سو به دنبال پاسخ‌گویی به شبهات مطرح‌شده درباره اعتبار این زیارت است که برخی آن را فاقد سند قوی یا مخالف با قرآن دانسته‌اند (برقعی، بی‌تا: ۲۷) و از سوی دیگر، به ضرورت شناخت دقیق‌تر جایگاه این متن در تقویت ارتباط معنوی مؤمنان با اهل بیت (ع) و تعمیق معارف دینی مربوط می‌شود. این بررسی، نه تنها به تبیین اصالت زیارت کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز بهره‌گیری بهتر از آن در تربیت دینی و رفع تردیدها است.

این پژوهش، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. در بخش سندی، مصادر زیارت در کتب معتبر، اسناد آن و وضعیت رجالی راویان با استناد به آرای علمای علم‌الحديث بررسی شده است. در بخش محتوایی، مضامین زیارت با آیات قرآن کریم و سایر ادعیه معتبر تطبیق داده شده است تا انسجام و هماهنگی آن با آموزه‌های وحیانی و روایی آشکار شود. این رویکرد دوگانه، امکان تحلیل جامع و علمی زیارت امین‌الله را فراهم آورده تا اعتبار آن از منظر فقه‌الحديث و معارف اسلامی به‌دقت سنجیده شود.

۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در زمینه زیارت امین‌الله انجام شده که هر یک از زاویه‌ای خاص به این متن پرداخته‌اند:

۱. «پیامدهای باور به شهود شاهدان و اشتیاق به دیدار خداوند در حیات بشر از منظر قرآن و زیارت امین‌الله» (۱۳۹۴ ش): این پژوهش تأثیر باور به شهود اولیا و اشتیاق به دیدار خدا را از دیدگاه قرآن و زیارت امین‌الله بر زندگی انسان بررسی کرده است.



۲. «بررسی تطبیقی مضامین دعایی صحیفه سجادیه و زیارت امین الله» (۱۳۹۵ ش): این پژوهش در فصل نامه «مطالعات قرآن و حدیث»، مضامین دعایی صحیفه سجادیه و زیارت امین الله را مقایسه کرده تا وجوه اشتراک و تمایز این دو منبع شیعی را تبیین کند.

۳. «تحلیل مقابله‌ای متن‌شناسی زیارت امین الله و زیارت امام رضا(ع) بر پایه نظریه کنش گفتار سرل» (۱۴۰۱ ش): این مقاله در فصل نامه «ادب فارسی»، با بهره‌گیری از نظریه کنش گفتار جان سرل، ساختار زبانی و کارکرد زیارت امین الله و زیارت امام رضا(ع) را تحلیل کرده است.

۴. «ارکان نظام سیاسی اسلام در زیارت امین الله و زیارت آل یاسین» (۱۴۰۱ ش): این مقاله با روش تحلیلی، مبانی نظام سیاسی اسلام را با تکیه بر زیارت امین الله و زیارت آل یاسین بررسی کرده و نشان می‌دهد که این نظام بر رهبری شایسته، رابطه عاطفی میان امام و امت، و تأمین سعادت دنیوی و اخروی استوار است.

همان گونه که مشخص است، هیچ پژوهش مستقلی در مورد اعتبار سنجی چه از نظر سندی و چه از نظر صدوری انجام نشده است و در این پژوهش، تلاش شده که به این زیارت از این منظر پرداخته شود.

۲-۱. منابع زیارت امین الله

مرحوم کفعمی در مصباح و بلد الامین و نیز مرحوم شهید اول در المزار از مصباح بدون سند این روایت را نقل می‌کند (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۴۸۰/۱؛ همو، ۱۴۱۸ق: ۲۹۵/۱؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۱۴). ابن مشهدی و شیخ طوسی مرسل از جابر این روایت را نقل می‌کنند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۷۳۸/۲؛ ابن مشهدی، ۱۳۷۸ش، ۲۸۲/۱).

مرحوم مجلسی در زادالمعاد تصریح به اعتبار سند می‌کند، ولی سند را مرسل از جابر نقل می‌کند و می‌نویسد: (رَوَى بِأَسَانِيدٍ مُعْتَبَرَةٍ عَنْ جَابِرٍ) (مجلسی، ۱۴۲۳ق: ۵۱۲). پس مشخص است این روایت در نزد مجلسی معتبر بوده و بنا به اختصار سند از نقل کامل سند خودداری کرده است.

۱. سند ابن قولویه: حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَهْدِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ صَدَقَةَ الرَّقِّيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش: ۳۹).

۲. سند سید بن طاووس: قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبِي قَالَ أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ يُوسُفَ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ (ابن طاووس، ۱۴۱۴ق: ۴۷۰/۱؛ ابن طاووس، بی تا: ۴۳/۱).

۱-۲-۱. بررسی رجال موجود در اسناد

در این بخش به شرح حال راویان موجود در اسناد پرداخته شده است:

۱-۲-۱-۱. محمد ابن عبد الله و پدرش

در مورد این دو فرد در کتب رجالی مختلف هیچ اطلاعاتی ذکر نشده است و نیز از این افراد سید بن طاووس و سایرین در هیچ کتاب دیگری نام نمی‌برد. بنابراین، نمی‌توان این افراد را در سایر طبقات و... نیز بررسی نمود. بنابراین وضعیت رجالی هر دو مجهول الحال است. به همین سبب از نظر اعتبار سندی، نمی‌توان به این سند اعتماد کرد و باید سایر اسناد را بررسی نمود.

۲-۱-۲-۱. جابر بن یزید جعفی

مهم‌ترین فرد در سلسله سند روایت زیارت امین الله جابر بن یزید جعفی است؛ چرا که در همه کتاب‌ها بجز کامل الزیارات اولین راوی ایشان است. در مورد جابر بن یزید جعفی مسائل زیادی مطرح است که به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

جابر بن یزید بن الحارث الجعفی الکوفی، از قبیله جعفی (شاخه‌ای از مذحج یمنی) و از اهالی کوفه بود. او در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری (متوفی حدود ۱۲۸ هـ) زندگی می‌کرد و از اصحاب برجسته امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) به شمار می‌رود. جابر به نقل بیش از هفتاد هزار حدیث از این دو امام شهرت دارد و ادعاهایی درباره دریافت علوم غیبی و دیدار با فرشتگان مطرح کرده که او را به شخصیتی بحث‌برانگیز در علم رجال تبدیل کرده است.

۱. اقوال تضعیف و روایات مرتبط

الف. ابن غضائری: ابن غضائری او را به دروغ‌گویی و جعل حدیث متهم کرده، اما هیچ روایت یا سند مشخصی برای اثبات این ادعا ارائه نکرده است. این قول بیشتر اجتهاد شخصی به نظر می‌رسد (ابن غضائری، رجال ابن الغضائری: ۴۷).

ب. روایات از رجال کشی: روایت اول: از عبدالله بن سنان نقل شده: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: جابر بن یزید يقول أشياء عجيبة، فقال: دعوه، فإنه رجل مشوش» (کشی، رجال الکشی: ۱۷۵، حدیث ۲۹۵). این روایت از عبدالله بن سنان نقل شده و از نظر سندی مشکل جدی ندارد.



کلمه «مشوَش» می‌تواند به معنای آشفتگی ذهنی یا شگفتی از علوم غریبه باشد. این لفظ به‌تنهایی دال بر تضعیف نیست و می‌تواند تأویل شود که جابر به دلیل نقل مطالب پیچیده، ذهنش پریشان به نظر آمده است.

روایت دوم: از ابوبصیر نقل شده: «قلت لأبي عبد الله: جابر بن يزيد يقول عليك ما لم تَقْله؟ فقال: إن صدق جابر فيما يقول لكان أفضل من سلمان، ولكنه يقول علي ما لم أقُل» (کشی: ۱۷۴، حدیث ۲۹۴). ابوبصیر (یحیی بن ابی‌القاسم) ثقة است و سند این روایت نیز معتبر به نظر می‌رسد. این روایت نشان می‌دهد، جابر مطالبی را به امام نسبت داده که مورد تأیید او نبوده است. اما جمله «إن صدق لكان أفضل من سلمان» می‌تواند به‌صورت کنایی یا تأکیدی باشد و لزوماً تضعیف صریح نیست. ممکن است منظور این باشد که جابر در فهم یا نقل دچار اشتباه شده، نه این که عمداً دروغ گفته باشد.

روایت سوم: از زید شحام نقل شده: «سمعت أبا عبد الله يقول: جابر بن يزيد يزعم أنني أعطيته خمسين ألف حدیث، وما أعطيته إلا ألف حدیث» (کشی: ۱۷۶، حدیث ۲۹۶). زید شحام ثقة است و سند روایت قابل قبول است. این روایت نشان‌دهنده اغراق جابر در ادعایش است، اما نمی‌توان آن را دلیل قطعی بر جعل حدیث دانست؛ بلکه ممکن است به مبالغه یا سوء تفاهم او اشاره داشته باشد.

ج. ابن شهرآشوب: «جابر بن يزيد الجعفي، كان يقول بأمر غريبة، فلم يؤثقه كثيراً، وكان متهماً بالغلو» (ابن شهرآشوب، معالم العلماء: ۳۹۰). ابن شهرآشوب روایت خاصی نقل نکرده و این قول مبتنی بر برداشت او از روایات کشی یا شایعات درباره جابر است.

د. محدث نوری: «جابر بن يزيد كان يدعي أموراً تخالف العقل والشرع، مثل رؤية الملائكة والمكاشفات، فهو غير موثق» (نوری، مستدرک الوسائل: ۳ / ۴۵۲). نوری نیز روایت مشخصی ذکر نکرده و تضعیف او بر اساس ادعاهای غریب جابر است، نه شواهد رجالی مستقیم.

۲. پاسخ به تضعیفات

الف) پاسخ به ابن غضائری: خوئی می‌نویسد: «تضعیف ابن الغضائري اجتهاد شخصي است و دلیلی بر آن نیست، زیرا کبار اصحاب از جابر روایت کرده‌اند» (خوئی، معجم رجال الحدیث: ۴ / ۱۲۳). شوشتری نیز می‌گوید: «رد جابر با وجود روایاتش در کتب صحیح ممکن نیست» (شوشتری، قاموس الرجال: ۲ / ۴۳۱).

ب) پاسخ به روایات کشی: خوئی درباره روایت «مشوَش» می‌گوید: «مشوَش بودن دلیل بر ضعف نیست، بلکه می‌تواند به شگفتی از علوم او اشاره داشته باشد» (خوئی: ۴ / ۱۲۵).

درباره روایت ابوبصیر: «این روایت نشان‌دهنده اشتباه جابر در نقل است، نه کذب عمدی. وثاقت او با این تعبیر مخدوش نمی‌شود» (همان: ۱۲۶). درباره روایت زید شحام: «مبالغه در تعداد احادیث دلیل بر جعل نیست، بلکه می‌تواند ادعای شخصی جابر باشد که به وثاقتش ضرر نمی‌زند» (همان: ۱۲۷). ج) پاسخ به ابن شهر آشوب و نوری: خوئی استدلال می‌کند: «غلو یا ادعاهای عجیب به وثاقت لطمه نمی‌زند، زیرا بسیاری از ثقات در مدح ائمه مبالغه کرده‌اند» (همان: ۱۲۶).

۳. توثیقات و روایات مرتبط

الف) نجاشی: «جابر بن یزید الجعفی، ثقة فی نفسه، وکان عالماً فاضلاً، روی عن أبي جعفر وأبي عبد الله عليهما السلام سبعين ألف حديث، وله كتاب يرويه جماعة» (نجاشی، رجال النجاشی: ۸۹). نجاشی او را صراحته ثقة و عالم فاضل می‌داند و هیچ روایت خاصی برای توثیق نقل نکرده، بلکه این قول مبتنی بر شهرت جابر در میان اصحاب است.

ب) شیخ طوسی: «جابر بن یزید الجعفی، کوفی، ثقة، روی عن أبي جعفر وأبي عبد الله» (طوسی، رجال الطوسی: ۱۲۷ و ۲۶۳). طوسی نیز او را ثقة می‌داند و روایت خاصی ذکر نکرده، اما ذکر او در میان اصحاب ائمه نشان‌دهنده اعتماد به اوست.

ج) روایات از رجال کشی

روایت اول: از عبدالرحمن بن الحجاج نقل شده: «سمعت أبا عبد الله يقول: جابر بن یزید رجل من أصحابي، وما أعطيته إلا ما ينفعه» (کشی: ۱۷۳، حدیث ۲۹۳). عبدالرحمن بن الحجاج ثقة است و سند این روایت معتبر است. این روایت جابر را از اصحاب خاص امام صادق(ع) معرفی کرده و نشان می‌دهد که علوم دریافتی او مفید و مورد تأیید بوده است.

روایت دوم: از محمد بن مسلم نقل شده: «کان جابر بن یزید یدخل علی أبي جعفر علیه السلام ویأخذ من علمه، وکان محموداً عنده» (کشی: ۱۷۲، حدیث ۲۹۲). محمد بن مسلم از ثقات بزرگ است و سند این روایت نیز صحت دارد. این روایت جایگاه ویژه جابر نزد امام باقر(ع) را نشان می‌دهد و او را مورد ستایش قرار می‌دهد.

د) علامه حلی: «جابر بن یزید ثقة، وما قيل في تضعيفه غير صحيح» (حلی، خلاصة الأقوال: ۹۸). علامه تضعیفات را رد کرده و وثاقت او را تأیید می‌کند.

ه) خوئی می‌نویسد: «الراجح أن جابر ثقة، والروایات المضعفة إما ضعيفة أو محمولة على تأويل لا ينافي الوثاقة» (خوئی: ۱۲۷ / ۴). ایشان او را توثیق کردند و در صدد توجیه عدم توثیق وی بودند. مرحوم



آیت الله خویی علاوه بر توثیق جابر، او را دارای جلالت و منزلتی عظیم دانسته است چون وی محرم اسرار و مورد لطف و عنایت امامین صادقین(ع) بوده است. (خویی، ۱۴۱۳ق: ۴/۳۳۶)

و) اعتماد نویسندگان کتب اربعه به جابر: روایات جابر در «الکافی» (مثلاً ۱/۳۲۷، حدیث ۴)، «تهذیب الأحکام»، و «الاستبصار» به تعداد زیاد نقل شده که نشان‌دهنده اعتماد عملی محدثان است.

۴. تحلیل توثیقات

روایات کشی (از عبدالرحمن بن الحجاج و محمد بن مسلم) جایگاه ویژه جابر نزد ائمه را تأیید می‌نماید و با اسناد معتبر، وثاقت او را تقویت می‌کند.

توثیق نجاشی و طوسی مبتنی بر شهرت جابر و اعتماد راویان بزرگ مانند صفوان بن یحیی و حسن بن محبوب است.

استفاده گسترده کلینی و طوسی از روایات جابر نشان‌دهنده پذیرش عام او در میان محدثان متقدم است.

۱. راویان از جابر و کسانی که او از آنها روایت کرده است

راویان از جابر: صفوان بن یحیی، حسن بن محبوب، محمد بن اسماعیل بن بزیع، علی بن مهزیار، ابراهیم بن هاشم و عبدالله بن میمون.

کسانی که جابر از آنها روایت کرده است: امام باقر(ع)، امام صادق(ع)، زرارة بن اعین، عبدالله بن سنان، ابان بن تغلب.

۲. نتیجه‌گیری

جابر بن یزید جعفی شخصیتی پیچیده در علم رجال است که هم روایات تضعیف و هم توثیق درباره او وجود دارد، جمع‌بندی خوئی:

بنابراین، جابر بن یزید جعفی را می‌توان راوی ثقه دانست. روایاتش در صورت صحت سند

معتبرند، اما به دلیل ادعاهای غریبش، احتیاط در روایات منفرد و بدون مؤید او منطقی است،

هرچند این احتیاط از وثاقت او نمی‌کاهد. شخصیت او به دلیل علوم خاص و نقل‌های

شگفت‌انگیز، سوء تفاهم‌هایی ایجاد کرده، اما شواهد رجالی وثاقتش را تأیید می‌کند.

۳-۱-۲-۱. علی بن مهدی بن صدقه الرقی

ابوالحسن علی بن مهدی بن صدقه بن هشام رقی انصاری، از اصحاب امام رضا(ع) بود (شیخ

طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۸۱). وی بیشتر به واسطه حضورش در سند زیارت امین الله و نقل روایت از پدرش،

مهدی بن صدقه الرقی، شناخته می‌شود. نجاشی به کتابی از او که از امام رضا(ع) نقل شده، اشاره کرده

است (نجاشی، ۱۴۰۵ق: ۲۷۷). بررسی وضعیت رجالی او به دلیل کمبود اطلاعات مستقل، با چالش‌هایی روبه‌رو است. او از پدرش، مهدی بن صدقه الرقی، روایت می‌کند که در برخی منابع، به‌عنوان فردی ثقه شناخته شده است (همان). در منابع رجالی، نه توثیق و نه تضعیف صریحی از او وجود ندارد، بنابراین او مجهول الحال است (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۲۰۵-۲۰۶). صرف حضور در سند زیارت امین الله و روایت از پدری که در برخی منابع توثیق شده، نمی‌تواند دلیلی قطعی بر وثاقت او باشد (همان).

۴-۱-۲-۱. احمد بن علی بن مهدی

أحمد بن علی بن مهدی، از راویان حدیث شیعه و فرزند علی بن مهدی رقی است. شهرت او بیشتر به دلیل روایت از پدرش و حضور نامش در اسناد برخی روایات، به‌ویژه در منابع متأخرتر است. اطلاعات مستقل و مفصلی درباره زندگی، اساتید و شاگردان او در منابع اولیه رجالی وجود ندارد (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۳۸۴ / ۹).

در منابع رجالی اولیه و متقدم، توثیق یا تضعیف صریحی برای احمد بن علی یافت نمی‌شود. این مسئله باعث می‌شود که وضعیت رجالی او به‌عنوان «مجهول الحال» در نظر گرفته شود. با بررسی کتب اربعه حدیثی شیعه (کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام، و الاستبصار)، روایتی مستقل که مستقیماً از احمد بن علی نقل شده باشد، یافت نشد.

نجاشی در کتاب خود، به‌طور مشخص به روایت احمد بن علی از پدرش اشاره کرده است و سلسله سند روایت را تا امام رضا (ع) ذکر می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۵ق: ۱۱۵ / ۲) در نتیجه وی از نظر رجالی مجهول الحال است.

۵-۱-۲-۱. علی بن سیف بن عمیره النخعی

در منابع اصلی و مشهور رجالی مانند رجال نجاشی، فهرست شیخ طوسی و معجم رجال الحدیث آیت الله خویی، شرح حال مستقلی برای او یافت نشد و هر چه در مورد وی صحبت شده، در ذیل نام پدرش بوده و نیز این که وی از برادرش حسین بزرگ‌تر است. در مورد مدح و ذم وی هیچ اطلاعاتی وارد نشده است (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۳۸۳ / ۹) بنابراین، وی مجهول الحال است.

۶-۱-۲-۱. سیف بن عمیره النخعی

سیف بن عمیره نخعی عربی کوفی، اهل کوفه و صحابی امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) است. (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۱۵). هم‌چنین وی از افرادی چون ابوبصیر، ابوحمزه ثمالی و ابان بن تغلب نقل



روایت کرده است (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۳۸۴/۹) و نیز محمد بن خالد طیالسی، محمد بن عبدالحمید عطارو حسن بن محبوب از ایشان به نقل روایت پرداخته‌اند (نجاشی، ۱۴۰۵ق: ۱/۱۸۹).

نجاشی ایشان را یکی از راویان ثقه وصف کرده (همان) ولی مرحوم آیت الله خوئی می‌فرماید که در برخی نسخه‌ها عبارت ثقه وجود ندارد؛ اما در نسخه ابن داوود موجود است (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۳۸۲/۹)، اما ابن شهر آشوب او را واقفی می‌داند و در نقل حدیث ضعیف شمرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۴۰ق: ۵۶)؛ ولی مرحوم آیت الله خوئی این نظر را نمی‌پذیرد و به سه دلیل رد می‌کند. اول، ایشان اصلاً امام رضا(ع) را درک نکرده است، چگونه می‌تواند واقفی باشد، پس حتماً یا اشتباه در نسخه‌برداری بوده یا سهو قلم گشته است. دوم، نسبت ضعیف دانستن ایشان به شهید ثانی صحیح نیست، چرا که ممکن است توهّم شده ایشان واقفی است، ولی مرحوم شهید ثانی واقفی بودن را مخالف ثقه بودن نمی‌داند. در کتاب «قاموس الرجال»، شوشتری نیز به این نسبت اشاره دارد و می‌نویسد: «وُنُسِبَ إِلَى الشَّهِيدِ الثَّانِي تَضْعِيفَهُ، وَلَكِنْ لَمْ يَظْهَرْ لَنَا ذَلِكَ فِي كِتَابِهِ» (شوشتری، قاموس الرجال: ۵ / ۳۶۸) و شهید اول در «غایة المرام» می‌نویسد: «وَرَبِمَا ضَعَّفَ بَعْضُهُمْ سِيفًا، وَالصَّحِيحُ أَنَّهُ ثَقَّةٌ» (مکی، ۱۴۱۴ق: ۱۲). سوم محدث نوری (ره) در جلد سوم کتاب «مستدرک الوسائل» در بخش «فایده پنجم از خاتمه مستدرک»، در مبحث مشیخه صدوق بیان داشته‌اند که آنچه در طریق صدوق مبنی بر روایت علی بن سیف از برادرش حسین بن سیف ذکر شده، ناشی از سهو است و واقعیت امر خلاف آن است؛ زیرا بر اساس آنچه نجاشی در شرح حال علی بن سیف ذکر کرده، علی از حسین بزرگ‌تر بوده است. هم‌چنین، بر اساس آنچه نجاشی در شرح حال حسین بن سیف آورده، کتاب حسین توسط برادرش (علی) روایت شده است. افزون بر این، بررسی روایات موجود نیز مؤید آن است که روایت از حسین بن سیف از برادرش صورت گرفته، نه بالعکس. بنابراین، توهّم واقفی بودن ایشان صحیح نیست (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۳۸۳/۹)؛ پس آیت الله خوئی در معجم رجال الحدیث، سیف بن عمیره را با استناد به نجاشی، ثقه می‌داند؛ بنابراین، وضعیت رجالی او موثق امامی است.

۱-۲-۲- توثیق عام

توثیق عام به معنای توثیق گروهی و کلی از راویان بدون ذکر نام تک‌تک آن‌هاست. به عبارت دیگر، به جای این‌که وثاقت یک‌ایک افراد بررسی و اعلام شود، یک قاعده یا ضابطه‌ای کلی بیان می‌شود که بر اساس آن گروهی از راویان، ثقه (مورد اعتماد) محسوب می‌شوند. مهم‌ترین دلیل برای این باور، عبارتی

است که در ابتدای کتاب «کامل الزیارات» آمده است. (ابن قولویه، کامل الزیارات: ۲) که برخی از بزرگان چون آیت الله خوئی و آیت الله سبحانی نمی‌پذیرند (سبحانی، ۱۳۸۰: ۷۰).

آیت الله خوئی توثیق عام ابن قولویه در مقدمه کامل الزیارات را مربوط به مشایخ بدون واسطه او دانسته است؛ ولی مرحوم خُرّ عاملی این عبارت را توثیقی برای تمام راویان احادیث کتاب کامل الزیارات می‌داند (رحمان‌ستایش: ۴۹).

آیت الله شبیری در تحلیل این نظر در درس خارج خود می‌فرماید: آیت الله خوئی از متن مقدمه ابن قولویه دو امر را محتمل می‌دانند که یا همه مشایخ یا فقط مشایخ بلاواسطه ثقة هستند و با رد احتمال اول، ثقة بودن مشایخ بلاواسطه ثابت می‌شود. اما آیت الله شبیری معتقد است که امر دایر بین سه احتمال است و با رد احتمال اول، هیچ‌کدام از دو احتمال دیگر ثابت نمی‌گردد.

احتمال سوم، این است که مصنفین کتبی که مصدر این کتاب هستند، ثقة هستند. این احتمال سوم، اتفاقاً برای آیت الله شبیری قوی‌تر است. ظاهراً مرحوم ابن قولویه روایات کامل الزیارات را از حدود ۲۰ کتاب اخذ کرده است. مثلاً یک کتاب، کتاب حسن بن محبوب بوده که بسیار تکرار شده است. پس با بررسی دقیق‌تر کتاب احتمال قوی‌تر این است که روایات را از کتب معتبر اخذ کرده است و عبارت مقدمه بر همین معنا است. بنابراین، معنای مقدمه کامل الزیارات مثل همان مطلبی است که مرحوم صدوق در مقدمه فقیه آورده است که همه روایات را از کتب معروف و مشهور اخذ کرده است. پس توثیق عام کامل الزیارات را نمی‌پذیرند (شبیری، درس خارج، جلسه ۵۸).

بنابراین، اگر نظر بزرگان را جمع‌بندی کنیم، می‌توانیم به روایات این کتاب اعتماد کنیم، چرا که هیچ یک از علما روایات این کتاب را نقد نکرده‌اند، بلکه به دنبال استفاده از توثیق رجالی اسناد این کتاب برای سایر کتب رجالی شده‌اند.

۱-۳- نتیجه‌گیری بحث سندی

به نظر می‌رسد، این حدیث دو طریق کلی دارد که یکی از جابر و دیگری از علی بن صدقة الرقی که هر دو به موجب ضعف‌های سندی دچار مشکل هستند. اما با توجه به توثیق عام کامل الزیارات (خوئی، معجم الرجال: ۳/۱) و نیز شهادت مرحوم علامه مجلسی در بحار و نیز سایر تأییداتی که علما بیان کردند که در بعد بیان شده است، به نظر می‌رسد می‌توان از نظر سندی به این زیارت اعتماد کرد.

۱-۴- بررسی محتوایی



وثاقت صدور یا بررسی محتوا به ما اطمینان می‌دهد که متن زیارت واقعاً از منبع معتبر و مورد اعتماد، یعنی امام معصوم (ع) صادر شده است. این امر، اعتبار دینی و حجیت متن را افزایش می‌دهد. برخی از محققان مدعی شده‌اند که این زیارت از نظر محتوا قابل پذیرش نیست و با نص قرآن و روایت اهل بیت (ع) ناسازگار است. ایشان مدعی شده‌اند فضائلی که در این زیارت آمده است، مخالف قرآن بوده و اهل بیت (ع) آن را نمی‌پذیرند و این زیارت از ساخته‌های علماست (برقعی، بی تا: ۴۴۲). در این بخش به تطابق زیارت با قرآن و نیز با سایر روایات و ادعیه پرداخته و در نهایت، اقوال علما درباره این زیارت نقل شده است.

۱-۴-۱- تطابق با قرآن

از منظر فقه‌الحديث، تطبیق مضامین زیارت امین‌الله با قرآن کریم، معیاری کلیدی برای سنجش اصالت و اعتبار آن است. شیخ کلینی در اصول کافی تأکید دارد که انطباق مضمون روایات با قرآن، دلیل بر صحت صدور آن از معصوم است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۶۹/۱). این انطباق، نشان‌دهنده ریشه‌دار بودن زیارت در وحی الهی و هم‌سویی آن با شریعت بوده و به قول ابن حجر عسقلانی، روایتی که با قرآن سازگار باشد، اطمینان بیشتری برای عمل به آن فراهم می‌کند (ابن حجر، ۱۳۷۹ ق: ۱۲/۱). بررسی تطبیقی زیارت با قرآن، روشی است که محققان حدیث چون شیخ صدوق در معانی الأخبار بر آن تأکید کرده‌اند تا از این طریق، معانی دقیق‌تر روایات کشف شود (صدوق، ۱۴۱۳ ق: ۳). این رویکرد، امکان درک عمیق‌تر نقش اهل بیت (ع) را به عنوان واسطه‌های هدایت الهی فراهم می‌سازد. هماهنگی میان زیارت امین‌الله و قرآن، وحدت کلام و حیانی و روایات را نشان می‌دهد. علامه مجلسی در بحارالانوار این انسجام را نشانه‌ای بر اعتبار حدیث و جایگاه معصومین (ع) به عنوان مفسران قرآن دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۲/۱). این امر، ایمان مؤمنان را به صدور زیارت از معصوم تقویت می‌کند. همچنین، تطبیق با قرآن، ابزاری برای پاسخ به شبهات است. شیخ طوسی در تهذیب الأحکام می‌نویسد که استناد به آیات، بهترین راه برای رفع شبهات حدیثی است (طوسی، ۱۴۱۶ ق: ۴۵/۱). این روش، تأیید می‌کند که مضامین زیارت با اصول قرآنی هم‌راستا بوده و اعتبار آن را از منظر فقه‌الحديث تثبیت می‌نماید. در ادامه، آیاتی از قرآن کریم که با مضمون زیارت مرتبط هستند، ارائه و سپس ارتباط آن‌ها تحلیل می‌شود.

۱. بحث ولایت و امامت

۱. فراز اول: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ»

تطبیق با قرآن:

آیه ۷۲ سوره احزاب: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»

آیه ۴۴ سوره اسراء: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ»

ارتباط و تحلیل:

ارتباط با آیه امانت (احزاب: ۷۲): عنوان «أَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» مستقیماً به مفهوم امانت الهی اشاره دارد که در این آیه ذکر شده است. علامه طباطبائی در المیزان معتقد است که امانت، ولایت و مسئولیت هدایت است که تنها انسان کامل (انبیا و اوصیای آن‌ها) شایسته حمل آن هستند (طباطبائی، ۱۳۹۱ ق: ۳۵۳/۱۶). او می‌نویسد: «الأمانة تشمل الولاية على الخلق التي لا يقوى عليها إلا من عصمه الله». این تفسیر نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین (ع) به عنوان امین الله، امانتی را پذیرفته که آسمان‌ها و زمین از آن عاجز بودند، یعنی حفظ دین و هدایت امت پس از پیامبر (ص). از سوی دیگر، زمخشری در تفسیر الکشاف امانت را عقل و تکلیف شرعی می‌داند و می‌نویسد: «الأمانة هي العقل الذي تحمل به الإنسان التكليف» (زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۵۴۳/۳). اگرچه این دیدگاه عام‌تر است، اما با تکمیل آن از منظر شیعه، می‌توان گفت که امام به عنوان انسان کامل، این امانت را در بالاترین مرتبه (ولایت الهی) ادا کرده است. بنابراین، این فراز، ولایت را به عنوان امانت عظیمی معرفی می‌کند که از پیامبر (ص) به امام منتقل شده و او را امین خدا در زمین قرار داده است.

ارتباط با آیه حجت (اسراء: ۴۴): عبارت «حجة الله على عباده» با این آیه مرتبط است که خدا از طریق فرستادگانش با بشر سخن می‌گوید. طبرسی در مجمع البیان می‌نویسد: «الرسول هنا يشمل الأنبياء والأئمة، فهم وسائط الله في تبليغ دينه وهداية خلقه» (طبرسی، ۱۴۱۴ ق: ۶۸۳/۶). این تفسیر، امام را به عنوان حجت الهی پس از پیامبر معرفی می‌کند که به اذن خدا، هدایت بندگان را بر عهده دارد. فخر رازی در تفسیر کبیر، این آیه را به وحی نبوی محدود کرده و می‌گوید: «المراد بالرسول هنا الملائكة أو الأنبياء» (فخر رازی، ۱۴۰۱ ق: ۱۲۳/۲۰)، اما با تعمیم این مفهوم به اوصیای پیامبران، می‌توان گفت که امامت، تداوم این رسالت الهی است. از این رو، فراز زیارت، امام را واسطه میان خدا و خلق نشان می‌دهد که با علم و عصمت خود، حجت را بر بندگان تمام می‌کند.



تحلیل کلی: این فراز، دو بُعد ولایت (امانت الهی) و امامت (حجت الهی) را در کنار هم قرار داده و نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین(ع) به‌عنوان انسان کامل، هم امانتدار شریعت است و هم حجت بالغه‌ای که خدا برای هدایت و اتمام حجت بر خلق قرار داده است. این با آیات قرآن هم‌خوانی دارد که مسئولیت الهی را به برگزیدگان واگذار کرده است.

۲. فراز دوم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ»
 تطبیق با قرآن:

آیه ۷۸ سوره حج: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»

آیه ۴۱ سوره توبه: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

آیه ۱۱۲ سوره هود: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

(پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای استوار باش و کسانی که با تو توبه کرده‌اند و سرکشی نکنند که او به آنچه می‌کنید، بیناست)).

ارتباط و تحلیل:

ارتباط با آیه جهاد (حج: ۷۸): عبارت «جاهدت فی الله حق جهاده» مستقیماً از این آیه گرفته شده است و نشان‌دهنده جهاد کامل امیرالمؤمنین(ع) در راه خداست. علامه طباطبایی می‌نویسد: «جهاد حق جهاده، تلاش همه‌جانبه در راه خداست که شامل قتال، تبلیغ دین، و حفظ شریعت می‌شود و این از اولیای برگزیده برمی‌آید» (طباطبایی، ۱۳۹۱ ق: ۳۸۹/۱۴). این تفسیر با نقش امام در جنگ‌ها (مانند بدر، احد، و خیبر) و دفاع از اسلام هم‌خوانی دارد. ابن کثیر در تفسیر خود، جهاد را به تلاش در راه خدا اعم از نظامی و غیرنظامی تعمیم می‌دهد و می‌گوید: «الجهاد يشمل القتال والدعوة إلى الله» (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم: ۴۳۲/۵). از منظر شیعه، این جهاد در وجود امام به کمال رسیده، زیرا او به‌عنوان وصی پیامبر، هم در میدان جنگ و هم در حفظ دین تلاش کرده است. بنابراین، این بخش از فراز، ولایت امام را به‌عنوان منصب الهی برای دفاع از حق و اجرای شریعت نشان می‌دهد که با برگزیدگی الهی در آیه حج مرتبط است. (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۱/۱۲۳-۱۵۰).

ارتباط با آیه قتال (توبه: ۴۱): این آیه به جهاد عملی در راه خدا اشاره دارد و طبرسی می‌نویسد: «القتال في سبيل الله، دفاع عن الدين والحق، وهو واجب على أولياء الله» (طبرسی، ۱۴۱۴ ق: ۱۲۳/۵). امیرالمؤمنین(ع) این وظیفه را در جنگ‌های متعدد به انجام رساند و قرطبی نیز در تفسیر خود، این آیه را به جنگ با کفار مرتبط می‌داند، اما آن را وظیفه‌ای عمومی تلقی می‌کند (قرطبی، ۱۴۲۵ ق: ۸/۱۲۱). از

دیدگاه شیعه، امام به عنوان پیشوای جهاد، این مسئولیت را به طور خاص بر عهده دارد و فراز زیارت، این نقش را گواهی می دهد. این ارتباط، امامت را به عنوان تداوم رسالت نبوی در مبارزه با دشمنان دین تأیید می کند.

ارتباط با آیه استقامت (هود: ۱۱۲): «عملت بکتابه و اتبعت سنن نبيه» با این آیه هم راستاست که استقامت در مسیر الهی را فرمان می دهد. علامه طباطبایی می نویسد: «الاستقامة هي الثبات على كتاب الله وسنة نبيه، وهذا من خصائص الأنبياء وأوصيائهم» (طباطبایی، ۱۳۹۱ ق: ۳۴۵/۱۰). این تفسیر، امام را الگوی عمل به قرآن و سنت معرفی می کند که شرط ضروری امامت است. زمخشری نیز استقامت را پایبندی به امر الهی و پرهیز از انحراف می داند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۴۳۲/۲)، و این با زندگی امام که سراسر تبعیت از شریعت بود، سازگار است. این بخش از فراز، امام را به عنوان حافظ و مجری شریعت پس از پیامبر نشان می دهد که پیوند ناگسستنی میان نبوت و امامت را اثبات می کند.

تحلیل کلی: این فراز، سه بُعد از امامت را با آیات قرآن مرتبط می سازد: جهاد کامل (حج: ۷۸)، مبارزه عملی (توبه: ۴۱)، و استقامت در شریعت (هود: ۱۱۲). این ویژگی ها نشان می دهد که ولایت امام، نه تنها ادامه دهنده رسالت پیامبر است، بلکه با عمل به کتاب و سنت، دین را از تحریف و انحراف حفظ می کند و او را شایسته منصب الهی می سازد.

۳. فراز سوم: «وَأَلْزَمَ أَغْدَاءَ كَ الْحُجَّةِ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ»
تطبیق با قرآن:

آیه ۱۴۹ سوره بقره: «قُلْ قَلِيلٌ لِّلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهْدَاكُمْ أَجْمَعِينَ»

آیه ۲۵ سوره انفال: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

آیه ۶ و ۷ سوره تکوین: «لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوْهَا غَيْرَ الْيَقِينِ»

(«هر آینه دوزخ را خواهید دید، سپس آن را به چشم یقین خواهید دید»).

ارتباط و تحلیل:

ارتباط با آیه حجت بالغه (بقره: ۱۴۹): عبارت «حجج بالغه علی جمیع خلقه» با این آیه هم خوانی دارد که حجت رسا را به خدا نسبت می دهد. طبرسی در مجمع البیان می نویسد: «الحجة البالغة هي الدلائل القاطعة التي يبعثها الله عبر أنبيائه وأوليائه لإتمام الحجة على الخلق» (طبرسی، ۱۴۱۴ ق: ۴۵۶/۲). این تفسیر، امام را به عنوان حامل این حجت ها معرفی می کند که با علم و عصمت خود، خلق را هدایت و دشمنان را مجاب می کند. فخر رازی نیز می گوید: «الحجة البالغة، الأدلة العقلية والنقلية التي لا يمكن



دفعه‌ها» (فخر رازی، ۱۴۰۱ ق: ۳۴۵/۴). از منظر شیعه، این حجت‌ها در وجود امام تجلی یافته و او با استدلال و عمل، حقانیت دین را بر همگان اثبات کرده است. این بخش از فراز، امامت را منصب الهی برای اتمام حجت و تبیین حقیقت نشان می‌دهد که ریشه در این آیه دارد.

ارتباط با آیه عزت و حکمت (انفال: ۲۵): «أَلْزَمَ أَعْدَاءَ ك الْحِجَّةِ» به غلبه امام بر دشمنان با حجت‌های الهی اشاره دارد که با عزت و حکمت خدا در این آیه مرتبط است. علامه طباطبایی می‌نویسد: «عزة الله تتجلى في حجبته التي تُدَلُّ الأعداء، وحكمته في هداية الخلق بها» (طباطبایی، ۱۳۹۱ق: ۳۴۵/۸). این تفسیر، نقش امام را در مغلوب ساختن دشمنان با دلایل قاطع نشان می‌دهد. ابن کثیر نیز عزت را قدرت خدا بر دشمنان و حکمت را تدبیر او در هدایت می‌داند (ابن کثیر، ۱۴۲۰ ق: ۱۲۳/۴). از این‌رو، فراز زیارت، اقتدار معنوی و الهی امام را در برابر دشمنان تأیید می‌کند که با این آیه هم‌راستاست و ولایت او را به‌عنوان منشأ عزت دین معرفی می‌کند.

ارتباط با آیه یقین (تکاثر: ۶-۷): حجت‌های امام، خلق را به معرفت و یقین می‌رساند که با این آیات مرتبط است. طبرسی می‌نویسد: «عين اليقين، مرتبة المعرفة العالية التي يبلغها الخلق عبر أولياء الله» (طبرسی، ۱۴۱۴ق: ۴۵۶/۱۰). این تفسیر نشان می‌دهد که امام با حجت‌های خود، حقیقت را آشکار می‌کند و بندگان را به یقین هدایت می‌نماید. قرطبی این آیات را هشدار به دیدن عاقبت می‌داند (قرطبی، ۱۴۲۵ ق: ۱۲۳/۲۰)، اما از منظر شیعه، این یقین با هدایت امام محقق می‌شود. بنابراین، این فراز، نقش امام را در بیداری وجدان‌ها و رساندن خلق به حقیقت با آیات تکاثر پیوند می‌زند.

تحلیل کلی: این فراز، امامت را به‌عنوان منصب الهی برای اتمام حجت (بقره: ۱۴۹)، غلبه بر دشمنان با عزت و حکمت (انفال: ۲۵)، و هدایت به یقین (تکاثر: ۶-۷) نشان می‌دهد. این ویژگی‌ها، جایگاه امیرالمؤمنین(ع) را به‌عنوان حجت بالغه‌ای تأیید می‌کند که با دلایل قاطع، هم دشمنان را مغلوب کرده و هم خلق را به سوی خدا رهنمون ساخته است.

۲. درخواست آرامش، رضا، محبت، شکیبایی و شکر

فراز زیارت: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ، مُجِبَّةً لِّصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ... صَابِرَةً عَلَى نَزْوِلِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِّفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ».

درخواست «مُطْمَئِنَّةٌ بِقَدْرِكَ» اشاره به آرامش قلبی در برابر تقدیر الهی دارد. این با آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) همخوانی دارد و نشان می‌دهد که یاد خدا و تسلیم در برابر او، موجب آرامش قلب می‌شود.

درخواست «رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ» به رضایت از قضا و قدر الهی اشاره دارد. این با آیه «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ» (تغابن: ۱۱) مرتبط است، زیرا ایمان به خدا و پذیرش قضای او، موجب هدایت قلب و آرامش در برابر مصائب می‌شود.

درخواست «مُحِبَّةٌ لِّصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ» به محبت و دوستی با برگزیدگان اولیای الهی (اهل بیت(ع)) اشاره دارد. این با آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳) همخوانی دارد و نشان می‌دهد که مودت و دوستی با اهل بیت(ع) از آموزه‌های مهم اسلامی است.

درخواست «صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ» به صبر و شکیبایی در برابر بلاها و مصائب اشاره دارد. این با آیه «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶) مرتبط است و نشان می‌دهد که صبر در برابر سختی‌ها، موجب همراهی و یاری خداوند می‌شود.

درخواست «شَاكِرَةً لِّفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ» (ابراهیم: ۷) به شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی اشاره دارد. این با آیه «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (عنکبوت: ۵) همخوانی دارد و نشان می‌دهد که شکرگزاری، موجب افزایش نعمت‌ها و ناسپاسی، موجب عذاب الهی می‌شود.

۳. اشتیاق به لقاء الهی

فراز زیارت: «مُشْتَاقَّةٌ إِلَى فَرَجَةِ لِقَائِكَ»

این فراز به اشتیاق مؤمن به دیدار خداوند در آخرت اشاره دارد. این با آیه «مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَاقَتِ» (عنکبوت: ۵) مرتبط است و نشان می‌دهد که امید به دیدار خداوند، از ویژگی‌های مؤمنان است.

۴. اوصاف مؤمنان و دعاکنندگان

فراز زیارت: «اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَؤُلَاءِ، وَ سُبُلَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ، وَ أَعْلَامُ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ، وَ أَفئِدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارِعَةٌ، وَ أَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ، وَ أَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ» عبارت «قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَؤُلَاءِ» به دل‌های فروتنانی اشاره دارد که سرگشته و شیفته‌ی خداوند هستند. این با مفهوم خشوع در قرآن مرتبط است که در آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مؤمنون: ۱-۲) بیان شده است.



عبارت «سُبُلَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةً» به راه‌های باز و آشکار برای مشتاقان به سوی خدا اشاره دارد. این با آیه «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (بقره: ۱۸۶) مرتبط است که وعده اجابت دعا را برای دعاکنندگان می‌دهد.

عبارت «أَفْنِدَّةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةً» به دل‌های ترسناک عارفان از عظمت خداوند اشاره دارد. این با آیات «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸) و «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات: ۴۰-۴۱) مرتبط است که به ترس از خدا و پرهیز از هوس‌ها به‌عنوان نشانه‌های پرهیزگاران اشاره دارد.

عبارت «أَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مَفْتُحَةٌ» به باز بودن درهای اجابت برای دعاکنندگان اشاره دارد. این با آیه «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰) کاملاً مطابقت دارد.

۵. استجاب دعا، قبولی توبه، رحمت بر گریه از خوف خدا

فراز زیارت: «وَدَعْوَةُ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً» (دعای کسی که تو را ندا داد، مستجاب است)

آیات: غافر: ۶۰ («ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ») و بقره: ۱۸۶ («أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ»).

ارتباط و تحلیل: این بخش با آیات اجابت دعا مرتبط است. از منظر شیعه، ندا دادن امام به معنای توسل به اوست که واسطه فیض الهی است. علامه طباطبایی می‌گوید: «دعا به خدا می‌رسد، اما اولیا واسطه اجابت‌اند» (طباطبایی، ۱۳۹۱ ق: ۱۸/۱۲۳). طبرسی نیز قرب خدا را شامل قرب اولیایش می‌داند (طبرسی، ۱۴۱۴ ق: ۲/۶۷۸). این نشان می‌دهد که ولایت امام، درگاهی برای استجاب دعاست، زیرا او به‌عنوان حجت خدا، دعاها را به خدا می‌رساند (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱/۱۴۳).

«وَتُوبَةُ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ»؛ (توبه کسی که به سوی تو بازگشت، پذیرفته است).

آیات: زمر: ۳۷ («اللَّهُ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ»)، هود: ۱۱ («لَهُمْ مَغْفِرَةٌ»)، تحریم: ۸ («تُوبُوا إِلَى اللَّهِ»).

ارتباط و تحلیل: این بخش با آیات توبه هم‌راستاست. بازگشت به امام، بازگشت به هدایت الهی است. طباطبایی می‌نویسد: «امام وسیله تقرب به خداست و توبه از طریق او مقبول می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۱ ق: ۱۷/۳۴۵). طبرسی نیز عمل صالح را با اقتدا به اولیا مرتبط می‌داند (طبرسی، ۱۴۱۴ ق: ۵/۴۵۶). از منظر شیعه، امامت او راه توبه خالص را نشان می‌دهد و این با روایت «نحن طريق الله» تأیید می‌شود (صدوق، ۱۳۷۷ ش: ۱۲۳).

«وَعَبْرَةٌ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ»؛ (اشک کسی که از خوف تو گریست، مورد رحمت است).

آیات: مریم: ۵۸ («خَرُّوا بُكِيًّا»), اسراء: ۱۰۹ («يَكُونُ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا»), فاطر: ۳۹ («جَعَلَكُمْ خَلْقًا»).

ارتباط و تحلیل:

این بخش با آیات گریه از خوف خدا مرتبط است. خوف از امام، خوف از مقام الهی اوست، زیرا او خلیفه خداست. طبرسی می‌نویسد: «خوف از اولیا، خوف از خداست و رحمت می‌آورد» (طبرسی، ۱۴۱۴ ق: ۷۸۹/۶). طباطبایی نیز گریه از خشیت را نشانه ایمان و مظهر آن را در اولیا می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۱ ق: ۲۳۴/۱۴). این نشان می‌دهد که ولایت امام، مظهر عظمت و رحمت الهی است و اشک برای او، رحمت را نازل می‌کند.

۶. وعده‌های الهی و صفات فعل او

فراز زیارت: «وَ وَعَدَتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةً، وَ زَلَّلَ مِنْ اسْتِقَالَكَ مُقَالََّةً، وَ أَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً...».

عبارت «وَعَدَتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةً» بر وفای به عهد خداوند تأکید دارد. این با آیات «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل عمران: ۹) و «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ» (اسراء: ۳۴) مطابقت دارد و نشان می‌دهد که خداوند هر وعده‌ای به بندگانش داده است، حتماً آن را عملی خواهد کرد.

عبارت «زَلَّلَ مِنْ اسْتِقَالَكَ مُقَالََّةً» به بخشش گناهان کسانی که از خداوند طلب بخشش می‌کنند، اشاره دارد. این با آیه «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ» (شوری: ۲۵) همخوانی دارد. عبارت «أَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً» به حفظ دقیق اعمال بندگان توسط خداوند اشاره دارد. این با آیات «وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ * وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَقَرٌّ» (قمر: ۵۲-۵۳) مرتبط است و نشان می‌دهد که هیچ عملی از دید خداوند پنهان نمی‌ماند.

۷. نزول ارزاق و استمرار فزونی

فراز زیارت: «وَ أَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَارِلَةً، وَ عَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً...».

عبارت «أَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَارِلَةً»، به تأمین روزی همه مخلوقات توسط خداوند اشاره دارد. این با آیه «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود: ۶) مطابقت دارد.

عبارت «عَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً» به استمرار فضل و بخشش خداوند و افزایش نعمت‌ها اشاره دارد. این با آیه «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهيم: ۷) مرتبط است.



۸. آمرزش گناهان، برآورده شدن حاجات، وفور جوایز و آماده بودن پذیرایی

فراز زیارت: «و دُتُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً، وَ حَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مُقْضِيَةً، وَ جَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةً، وَ مَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً...».

این فراز به جنبه‌های مختلف رحمت و کرم الهی اشاره دارد: آمرزش گناهان، برآورده شدن حاجات، وفور بخشش و آماده بودن پذیرایی برای بندگان. این مفاهیم در آیات ذکر شده نیز مورد تأکید قرار گرفته‌اند. با این بررسی جامع و ذکر آیات مرتبط، ارتباط وثیق زیارت امین‌الله با قرآن کریم و تأثیرپذیری آن از معارف وحیانی آشکارتر می‌گردد. این تطبیق نشان می‌دهد که مضامین این دعا نه تنها با آموزه‌های قرآن منافاتی ندارد، بلکه تأییدی بر آن‌ها و شرحی بر مفاهیم عالی آن است. این دعا، گنجینه‌ای از معارف الهی و اخلاقی است که می‌تواند راهنمای مؤمنان در مسیر بندگی باشد.

۱-۴-۲- مطابقت محتوا با سایر ادعیه

۱-۴-۳- تطبیق با صحیفه سجادیه:

در تطبیق فراز «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ، وَ لَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ، وَ لَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ» از صحیفه سجادیه دعای اول با فراز «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُؤَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ» مشخص می‌شود که هر دو متن بر عظمت و بی‌نهایت بودن خداوند و ناتوانی انسان در ادراک کامل او تأکید دارند. در صحیفه، این ناتوانی در ستایش و شمارش نعمت‌ها بیان شده و در زیارت، در طلب اطمینان و رضا به تقدیر الهی نمایان است.

صحیفه مملو از دعاها برای طلب مغفرت، رزق، عافیت، هدایت و... است. برای مثال در دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق) می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَبِّبْ إِلَيَّ أَصْدِقَاءِي، وَ ارْزُقْنِي رِزْقَ غَائِبِي، وَ اجْبُرْ عَلَيَّ مُصِيبَتِي» با فراز «مُسْتَأَقَّةً إِلَى فَرْحَةٍ لِقَائِكَ، مُتَحَمِّلَةً لِعِيبَتِكَ، مُؤَدِّيَةً لِحَقِّكَ» هر دو متن، دعا و درخواست از خداوند مطرح است. در صحیفه، درخواست‌های مشخصی مانند محبت دوستان و جبران مصیبت بیان می‌شود، در حالی که در زیارت، اشتیاق به لقاء الهی و تحمل مسئولیت‌ها به‌عنوان نوعی درخواست ضمنی مطرح است.

صحیفه سجادیه (دعای ۲۰): «و اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ حَتَّى أَسْتَسْلِمَ لَكَ، وَ أَنْصَحَ لَكَ حَتَّى أَخْلِصَ لَكَ» و «راضیهً بِقَضَائِكَ» که هر دو عبارت بر تسلیم در برابر اراده الهی تأکید دارند. در صحیفه، این تسلیم به‌عنوان نتیجه خشیت از خدا و اخلاص در عمل بیان و در زیارت، به صورت مستقیم به رضا به قضاوت الهی اشاره شده است.

۱-۴-۴- تطبیق با زیارت جامعه کبیره:

زیارت جامعه کبیره: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَ مُؤَصِّعِ الرِّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ، وَ مُعَدِّنِ الرَّحْمَةِ، وَ حُزَّانِ الْعِلْمِ، وَ مُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَ أَصُولِ الْكَرَمِ» همچون «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ» است که هر دو زیارت به مقام والای اهل بیت (علیهم السلام) اشاره دارند. جامعه کبیره با تفصیل بیشتری به ویژگی‌های آنان می‌پردازد، درحالی‌که امین‌الله بر دو ویژگی کلیدی "امین خدا" و "حجت او بر بندگان" تأکید می‌کند.

۱-۵- خانواده محتوایی زیارت امین‌الله

از منظر فقه‌الحديث، تشکیل خانواده محتوایی فرایندی است که به سازمان‌دهی نظام‌مند مضامین یک متن روایی یا دعایی، مانند زیارت امین‌الله منجر می‌شود. این روش با هدف تبیین ساختار معنایی و استخراج اهداف اصلی متن انجام می‌گیرد و امکان تحلیل دقیق‌تر محتوای حدیث را فراهم می‌سازد. با مشخص کردن روابط درونی میان فرازاها، این رویکرد به درک نیت راوی یا صادرکننده متن (معصوم) یاری می‌رساند و کاربرد عملی آن را در زندگی دینی تسهیل می‌کند. افزون بر این، دسته‌بندی مضامین می‌تواند به عنوان ابزاری برای اعتبارسنجی محتوایی عمل کند، به‌ویژه در مواردی که سند حدیث از نظر رجالی ضعیف‌هایی داشته باشد. هم‌چنین، این ساختاربندی به شناسایی محورهای اصلی متن و ارتباط آن با اصول اعتقادی و اخلاقی اسلام کمک می‌کند و زمینه‌ساز بهره‌گیری مؤثر از آن در آموزش و تربیت دینی می‌شود. خانواده محتوایی زیارت امین‌الله عبارتند از:

۱. مقام و منزلت امام

فرازاها: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ»؛ «وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ» (به عنوان اشاره ضمنی به نقش واسطه‌ای امام).

تحلیل: این بخش بر جایگاه والای امام به عنوان امانتدار الهی و حجت بر خلق تأکید دارد. فراز دوم به طور ضمنی، نقش امام را به عنوان واسطه‌ای برای گشایش درهای اجابت دعا نشان می‌دهد و منزلت او را در نظام الهی تثبیت می‌کند.

۲. تلاش و جهاد امام

فرازاها: «أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»؛ «وَأَلَزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ».



تحلیل: این گروه به تلاش‌های امام در جهاد، عمل به شریعت، و غلبه بر دشمنان با حجت‌های رسا می‌پردازد. این فرازاها او را به‌عنوان حافظ دین و مجری احکام الهی معرفی می‌کنند و اقتدارش را در برابر مخالفان نشان می‌دهند.

۳. خشوع و رغبت مؤمنان

فرازاها: «اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْهَةِ»؛ «و سُبُلُ الرَّاْغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ»؛ «و أَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ».

تحلیل: این بخش حالات مؤمنان را با ویژگی‌هایی چون فروتنی، اشتیاق، و بلند شدن صدای دعاهایشان توصیف می‌کند. این فرازاها بُعد عاطفی و معنوی ارتباط بندگان با خدا را از طریق امام نمایان می‌سازند.

۴. خوف و آثار توسل به امام

فرازاها: «و أَفئِدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارِعَةٌ»؛ «و دَعْوَةُ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ»؛ «و تَوْبَةُ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ»؛ «و عَبْرَةٌ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ».

تحلیل: این گروه به ترس عارفان از عظمت الهی و نتایج توسل به امام (استجابت دعا، پذیرش توبه، و رحمت بر گریه‌کنندگان) اشاره دارد. این فرازاها نقش واسطه‌ای امام را در نزول فیض الهی برجسته می‌کنند.

۵. درخواست‌های معنوی و اخلاقی

فرازاها: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقُدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ»؛ «مُجِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ»؛ «صَابِرَةً عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ»؛ «شَاكِرَةً لِقَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ»؛ «مُسْتَأْنَفَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ».

تحلیل: این بخش دعاهایی را برای تعالی روحی و اخلاقی بنده در بر می‌گیرد که شامل آرامش، رضا، محبت به اولیا، صبر، شکر، و اشتیاق به دیدار خداست. این فرازاها هدف نهایی زیارت را در جهت قرب الهی ترسیم می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نتیجه‌گیری نهایی

زیارت امین‌الله از منظر سندی، با وجود ضعف‌هایی در برخی راویان مانند مجهول الحال بودن محمد بن عبدالله و احمد بن علی، و اختلاف نظر درباره جابر بن یزید جعفی (که با شواهد رجالی ثقه دانسته شده)، به دلیل نقل در منابع معتبر چون کامل‌الزیارات و تأیید علمایی مانند علامه مجلسی، از اعتبار نسبی برخوردار است. از نظر محتوایی، مضامین آن با آیات قرآن (مانند احزاب: ۷۲، حج: ۷۸، رعد: ۲۸)

و ادعیه معتبر مانند صحیفه سجادیه هماهنگ است و شبهات تعارض با قرآن را نقض می کند. بنابراین، این زیارت متنی اصیل و قابل اعتماد برای تقویت معنویت و تربیت دینی است، با تأکید بر قرائن سندی و تأییدات علما.

فهرست منابع:

- قرآن کریم
- ابن طاووس، عبد الکریم بن احمد. (بی تا). *فرحة الغری فی تعیین قبر أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام في النجف*، الشریف الرضی، قم.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۷ق). *مصباح الزائر*. مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، قم.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۴ق). *اقبال الاعما*. قم: چاپ جواد قیومی اصفهانی.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۱ق). *مهج الدعوات و منهج العبادات*. محقق: کرمانی، ابوطالب و محرر، محمد حسن، قم: دار الذخائر.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۶ق). *فلاح السائل و نجاح المسائل*. قم: بوستان کتاب.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ق). *الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان*. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
- ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل. (۱۴۲۰ق). *تفسير القرآن العظيم*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ق). *المزار الكبير*. محقق: قیومی اصفهانی، جواد، جماعة المدرسين في الحوزة العلمیة بقم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- برقی، سید ابوالفضل. (بی تا). *تضاد قرآن و مفاتیح*. بی تا.
- پرچم، اعظم؛ عادل فر، نازیلا؛ مطیعی، مهدی. (۱۳۹۴ش). «پیامدهای باور به شهود شاهدان و اشتیاق به دیدار خداوند در حیات بشر از منظر قرآن و زیارت امین الله». *پژوهش های اجتماعی اسلامی*، (پیاپی ۱۰۶)، شماره ۳، پاییز.
- جعفری، محمد. علی. (۱۴۰۱ش). «تحلیل مقابله ای متن شناسی زیارت امین الله و زیارت امام رضا(ع) بر پایه نظریه کنش گفتار سرل». *مطالعات ادبی متون اسلامی*، ۶(۲۳)، پاییز.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. به تحقیق موسسه آل البيت(ع)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
- حلی، حسن بن علی. (۱۳۹۲ش). *رجال ابن داوود*، بیروت: منشورات مطبعة الحیدریة.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۱ق). *رجال العلامة الحلی*، تحقیق و تصحیح محمد صادق بحر العلوم، نجف: دار الذخائر، چاپ دوم.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۷ق). *خلاصه الاقوال*، مؤسسة نشر الفقاهة.
- حیدری، اقبال حیدر. (۱۳۸۶ش). *زیارت امین الله*، تهران: نشر انصاریان.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (بی تا). *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، قم: مرکز النشر آثار الشیعه.



- رحمان ستایش، محمد کاظم. (۱۳۸۷ش). **توثیقات عام و خاص**، قم: نشر دانشگاه قرآن وحديث.
- زمخشري، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**. بيروت: دار الكتاب العربي.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۰ش) **کلیات فی علم الرجال**. قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- شبیری زنجانی، سید موسی. (۱۳۹۷ش). «پژوهش های رجالی». سال اول، شماره ۱.
- شبیری، محمد جواد. **درس خارج**، www.eshia.ir.
- شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۰۱ق). **المزار**، محقق: موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر، مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم.
- شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۴ق): **غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- الصاوی، احمد. (۱۲۴۱ق). **کتاب حاشیة الصاوي على الشرح الصغير بلغة السالك لأقرب المسالك**، مصر: دار المعارف للطبعة.
- صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). **من لا يحضره الفقيه**، قم: جامعه مدرسين.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۷۷ش). **معانی الأخبار**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۱ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۸۶ق). **الاحتجاج**، نجف: دارالنعمان.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۴۳۹ق). **کنوز النجاح**، قم: مجمع الامام الحسين (ع) العلمی لتحقيق التراث اهل البيت (ع).
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۴ق). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵ش). **تهذیب الأحکام**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴). **اختیار معرفة الرجال**، قم: آل البيت.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۳ش). **رجال الطوسی**، تحقیق وتصحيح جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر نشر اسلامی، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). **مصباح المتجهد و سلاح المتعبد**، بیروت: مؤسسه فقه شیعه، چاپ اول.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۷ق). **الفهرست**، قم: مؤسسه نشر الفقهه.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۹۰ق). **الاستبصار فیما اختلف من الأخبار**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۰۱). **التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۴۲۵ق). **الجامع لأحكام القرآن**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قمی، شیخ عباس. (بی تا). **مفاتیح الجنان**، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی. (۱۴۰۵ق). **المصباح**، قم: دار الرضی، چاپ دوم.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی. (۱۴۱۸ق). **البلد الامین و الدرع الحصین**، بیروت: مؤسسه الاعلامی، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). **الكافي**، تحقیق و تصحيح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- لک زایی، رضا. (۱۴۰۳ش). «ارکان نظام سیاسی اسلام در زیارت «امین الله» و «زیارت آل یاسین»». **حوزه علمیه**، شماره ۳۶، بهار.

- مازندرانی، ابن شهر آشوب. (۱۳۷۶). **مناقب ال ابی طالب**. نجف: المكتبة الحيدرية.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۲۳ق). **زاد المعاد**. مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- مجموعه مؤلفین. (۱۴۰۴ق). **الموسوعة الفقهية الكويتية**. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت.
- مزی، یوسف. (۱۴۰۶). **تهذیب الکمال**. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مفید، محمد بن محمد. (بی تا). **الاختصاص**، قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم: کنگره شیخ مفید.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ش). **رجال نجاشی**، قم: دفتر نشر اسلامی، چاپ ششم.
- نسایی، احمد بن شعیب. (۱۴۰۶ق). **کتاب الضعفاء والمتروکین**. بیروت: دارالمعرفة.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۱۵ق). **المستدرک الوسائل**، قم: آل البيت

